



بازنمایی منفی از یک استان

یک بازنمایی منفی از استان سیستان و بلوچستان در افکار عمومی کشور شکل گرفته است و نام این استان را با مواد مخدر، خشونت، اعتیاد و ناامنی گره زده است. در ایجاد و تداوم این بازنمایی، رسانه‌ها و گروه‌های مرجع نقش اصلی را داشته‌اند. همه اینها در حالی است که استان در بسیاری از شاخص‌های مربوط به جرایم و آسیب‌های اجتماعی همانند نرخ خودکشی، میزان سرقت و نرخ طلاق، وضعیت بدتری نسبت به میانگین کشور ندارد. ۴۷

استان سیستان و بلوچستان با وسعتی در حدود ۱۸۱۷۵۸ کیلومتر مربع، حدود ۱۱.۱٪ از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد و بزرگترین استان کشور از نظر مساحت است. این استان از جنوب ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان و از مشرق ۱۱۰۰ کیلومتر مرز بین‌المللی با دو کشور پاکستان و افغانستان دارد. جمعیت استان طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۰ برابر با ۲.۵۳۴.۳۲۷ نفر است که ۳.۳۷٪ از کل جمعیت ایران را شامل می‌شود. استان سیستان و بلوچستان دارای ۱۴ شهرستان، ۴۱ بخش، ۳۷ شهر و ۱۰۳ دهستان است.

آب و هوای استان از نوع آب و هوای بیابانی است. حداکثر دمای سالانه آن بالای ۴۵ درجه سانتیگراد است، این درحالی است که دمای میانگین حداکثر دمای کشور در طول سال به ۳۸ درجه می‌رسد. زاهدان سردترین و ایرانشهر گرم‌ترین شهرهای استان هستند. نوسانات رطوبت، وجود بادهای موسمی همچون بادهای معروف به ۱۲۰ روزه و باد هفتم یا گاوکش و ریزش جوی و اختلاف دما در ۲۴ ساعت، به استثنای نواحی معتدل دریای عمان، شرایط خاص اقلیمی و پوشش‌های گیاهی و جانوری بدیعی را به وجود آورده است. در این نوشتار به بخش مسائل راهبردی استان در حوزه سیاست اجتماعی و فرهنگی از گزارش جامع مساله‌شناسی راهبردی توسعه در استان سیستان و بلوچستان پرداخته می‌شود.

۱- حوزه سیاست اجتماعی و فرهنگی

سیستان و بلوچستان از جمله پیچیده‌ترین استان‌های کشور بویژه از نظر فرهنگی و اجتماعی است؛ بگونه‌ای که علیرغم تاریخ کهن و ظرفیت‌های متعدد در حوزه میراث فرهنگی، جغرافیا و توسعه منطقه‌ای و پس از گذشت نزدیک به صد سال از شکل‌گیری دولت مدرن و حدود هفت دهه برنامه‌ریزی عمرانی در کشور، هنوز در زمره مناطق توسعه‌نیافته ایران محسوب می‌شود. تراکم مشکلات و معضلات که خود را در حوزه‌های مختلف بازتولید می‌کنند، این استان را در یک چرخه عقب‌ماندگی و محرومیت گرفتار کرده است؛ چرخه‌ای که رهایی از آن نیازمند عزم ملی و اراده‌ای بنیادین از سوی سیاست‌گذاران مرکزی، مدیران منطقه و مردم محلی است.

براساس آمار سال ۱۳۹۰، جمعیت جوان (۱۵ تا ۲۹ سال) استان برابر با ۳۲.۳٪ است که بالاتر از میانگین کشوری (برابر با ۲۷.۶٪) می‌باشد. نسبت مهاجران وارد شده به این استان از نسبت مهاجران خارج شده پایین‌تر بوده و خالص مهاجرت در استان منفی است؛ بگونه‌ای که در مقابل هر ۱۰۰ نفر مهاجر خارج شده از استان، حدود ۸۲ مهاجر وارد شده است. استان سیستان و بلوچستان بیشترین جمعیت جوان را در مقایسه با سایر استان‌ها دارد. متوسط بعد خانوار در این استان ۴.۳ نفر و نیز نسبت زنان سرپرست خانوار برابر با ۱۶.۶٪ است که هر دو بالاتر از میانگین کشوری (بعد خانوار کشور در سال مذکور ۳.۶ و نسبت زنان سرپرست خانوار برابر بوده با ۱۳.۸) قرار دارد. همچنین، در سال ۱۳۹۰، نرخ باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر استان برابر با ۷۱.۶٪ بود که پایین‌تر از میانگین کشوری (۸۴/۸٪) است. در سطح آموزش عالی نیز، تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهی استان در سال ۱۳۹۰ برابر با ۸۳۳۵۸ نفر بوده است که از این رقم ۴۴.۷٪ دارای مدرک کاردانی، ۴۸.۷٪ کارشناسی و ۶.۶٪ کارشناسی ارشد و بالاتر بوده‌اند.

یکی از ویژگی‌های معرف استان، میزان بالای اعتماد سیاسی مردم به نهادهای سیاسی است. بطوریکه مردم استان ۲.۷ برابر کل کشور به مجلس شورای اسلامی، ۱.۹ برابر به شورای نگهبان، ۲ برابر به قوه قضائیه و ۳.۲ برابر به دولت اعتماد دارند. این میزان اعتماد بالا نسبت به دستگاه‌های حکومتی و دولتی، نشان از همدلی و همراهی و پتانسیل همکاری و حمایت مردم استان با نهادهای مربوطه دارد. اما در مورد اعتماد به نهادهای انتظامی، به دلیل عدم موفقیت آنها در برقراری نظم و امنیت در استان، مردم اعتماد پایینی به این نهادها دارند؛ بطوریکه اعتماد مردم استان به نهادها و دستگاه‌های انتظامی در استان، ۳.۲۴ برابر کمتر از کل کشور است که میزان قابل توجهی است.

علاوه بر این، استان سیستان و بلوچستان با مسایل متعدد اجتماعی و فرهنگی مواجه است که در این قسمت مهمترین آنها معرفی شده و ضمن تبیین این مسایل، راهکارهایی مؤثر جهت تخفیف یا حل آنها ارائه می‌گردد.

۲- چالش‌ها، علل و راهکارها

۱-۲ ضعف آموزش

با توجه به نرخ پایین باسوادی در استان در سال ۱۳۹۰ (۷۱.۶٪ در برابر میانگین کشوری ۸۴.۸٪) از یک طرف و میانگین پایین دانشجویان در حال تحصیل در استان نسبت به میانگین کشوری، معضل آموزش در استان جدی است. ضمن اینکه برآوردها حکایت از ۱۵۰ هزار کودک و نوجوان بازمانده از تحصیل در استان دارد.

کمبود معلم، کمبود مدرسه و فضای آموزشی و نبود زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی بویژه در مناطق دورافتاده و کمتر

برخوردار استان، مشهود است. ضعف آموزش، در پایین بودن کیفیت آموزش نیز خود را نشان می‌دهد. گفته می‌شود به دلیل نبود افق رشد و پیشرفت، اغلب معلمان جذب شده، بعد از مدتی استان را ترک می‌کنند و مناطق کمتر برخوردار استان همواره با کمبود معلم روبرویند. توزیع نامناسب امکانات و فضاهای آموزشی حتی در شهر زاهدان به چشم می‌خورد. ضعف برنامه‌ریزی و در اولویت قرارنگرفتن مناطق محروم استان در تخصیص منابع، موجب شده امکانات و فضاهای آموزشی کافی برای دانش‌آموزان در دسترس نباشد.

راهکارها

- پیشنهاد طرح جامع برای یک دوره حداقل ۱۰ ساله با محوریت وزارت آموزش و پرورش تهیه شود و با اختصاص ردیف‌های بودجه‌ای خاص و اهتمام دیگر سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط با هدف تبعیض مثبت برای استان و توزیع اعتبارات و امکانات به شکل عادلانه تا زیرساخت‌های عمرانی و تجهیزاتی مدارس در طول زمان تأمین شود. پروژه‌هایی مثل راه‌اندازی اردوگاه دانش‌آموزی و پردیس فرهنگیان نیز باید ذیل همین طرح تعریف و اجرا شوند تا با دیگر پروژه‌ها پیوند داشته و تأثیر حداکثری خود را در بهبود شرایط رفاهی و رضایت معلمان از کار و زندگی بر جای گذارند.

- حمایت از گروه‌های مدنی داوطلب برای افزایش سطح ارتقای آموزش استان از طریق تسهیل فرایندهای صدور مجوز و جلوگیری از فرسایشی شدن روند فعالیت‌های گروه‌های قانونی

- تنظیم و اجرای سیاست توسعه دانشگاه‌های علمی کاربردی به شکل هدفمند و با تأسیس رشته‌های مرتبط با ظرفیت‌های استان توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

- تأسیس هدفمند مدارس و هنرستان‌های آموزش فنی و حرفه‌ای توسط سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور نیز می‌تواند مکمل آموزش مهارت‌های فنی و کاربردی باشد و با افزایش اشتغال و بهبود فضای کسب‌وکار، فرایند توسعه استان را تسریع کند.

- جذب و به‌کارگیری معلمان کارآمخته و بومی اقدام به بورسیه تعدادی از دانشجویان دوره‌های تربیت معلم و حتی دیگر علاقه‌مندان توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۲-۲ بازنمایی منفی

حقیقت این است که در بسیاری از موارد آنچه از استان سیستان و بلوچستان در افکار عمومی بازتاب می‌یابد، با واقعیت موجود فاصله دارد. در طول دهه‌های گذشته، یک بازنمایی منفی از استان در افکار عمومی کشور شکل گرفته است و نام سیستان و بلوچستان را با مواد مخدر، خشونت، اعتیاد و ناامنی گره زده است. در ایجاد و تداوم این بازنمایی، رسانه‌ها و

گروه‌های مرجع نقش اصلی را داشته‌اند. همه اینها در حالی است که استان در بسیاری از شاخص‌های مربوط به جرایم و آسیب‌های اجتماعی همانند نرخ خودکشی، میزان سرقت و نرخ طلاق، وضعیت بدتری نسبت به میانگین کشور ندارد.

از طرفی، بخشی از این بازنمایی منفی به نگاه‌های مرکز محور و بیرونی نسبت به استان باز می‌گردد؛ نگاه‌هایی که بجای رویکرد همدلانه و واقعی، تلاش در همسان‌سازی بخشی از ایرانیان با وهابی‌گری، تروریسم و افراطی‌گری دارد. غلبه اخبار بازتاب‌یافته از استان در رسانه‌ها، با محتوای قاچاق، درگیری و خشونت در مقایسه با میزان اندک اخبار علمی، فرهنگی، هنری و... نیز از علل عمده است. همچنین، بخش دیگری از این بازنمایی منفی، به ضعف‌های درونی استان و کم‌کاری نیروهای بومی و محلی در معرفی قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و ابعاد قوت منطقه باز می‌گردد.

راهکارها

- بخشی از آموزش‌ها در مدارس به زبان قومی و محلی بوده و همچنین کرسی زبان بلوچی در دانشگاه سیستان و بلوچستان راه‌اندازی شود. این کار موجب تقویت بنیان‌های هویتی مردم منطقه و افزایش تعلق خاطر ایشان به کشور و نظام سیاسی و اجتماعی می‌شود.

- سفارش مجموعه‌هایی با هدف نمایش ظرفیت‌های استان سیستان و بلوچستان در رسانه‌های عمومی کشور

- برگزاری مجموعه‌ای از سمینارها، کنفرانس‌ها و همایش‌های کشوری در استان سیستان و بلوچستان، این کار موجب خواهد شد تا با حضور تعداد زیادی از فعالان کشوری در استان ذهنیت جمعی شکل گرفته نسبت به استان تغییر کرده و از سویی بر اقتصاد استان نیز اثرگذار باشد.

۲-۳ مسئله نامنی

امنیت یکی از زیرساخت‌های مهم توسعه است که متأسفانه استان سیستان و بلوچستان از سال‌های گذشته با مسئله پایین بودن ضریب امنیت مواجه بوده است. چالش امنیت در استان بدین معناست که شهرهای مرزی منطقه با طیفی از ناامنی‌های ناشی از خشونت و تروریسم و بیش از آن احساس خشونت مواجه هستند. در برخی از شهرهای استان (مثل میرجاوه)، ممنوعیت‌های تردد در شب به دلیل چالش‌های امنیتی برقرار است. بخشی از این پایین بودن ضریب امنیت، مبتنی بر واقعیت و ناشی از تجربه‌های پیشین در زمینه بمب‌گذاری و تروریسم گروه‌هایی مثل جندالله است. بخشی نیز بر ساخته رسانه‌ها و افکار عمومی بوده و به نوعی برجسته‌سازی این ناامنی است. اما به هر جهت، این معضل موجب تقویت نگاه‌های امنیتی از سوی سیاست‌گذاران و غلبه نیروهای نظامی و امنیتی در معادلات استان شده و عامل مهمی در توسعه نیافتگی استان است. شکل‌گیری این معضل را می‌توان در چند عامل مهم جستجو کرد:

اول، همجواری استان با کشورهای پاکستان و افغانستان که خود با چالش تروریسم و افراطی‌گری مذهبی مواجهند، موجب شده تا مرز (که در حالت عادی می‌تواند یک فرصت باشد) برای این استان بدل به یک تهدید شود.

دوم، قاچاق انسان و کالا از مرزها، مخاطرات زیادی به وجود آورده و بویژه ترانزیت مواد مخدر، درگیری‌های دائمی نیروهای انتظامی با اشراک و قاچاقچیان را در پی دارد.

سوم، تضادهای قومی و مذهبی در استانی که اکثریت آن را بلوچ‌ها و اهل سنت تشکیل می‌دهند، بویژه با توجه به چالش‌های قومی و مذهبی در منطقه خاورمیانه، به نوبه خود می‌تواند زمینه‌ساز خشونت باشد.

چهارم، غلبه بیش از حد نیروهای نظامی و امنیتی در استان نیز، مزید بر علت است و گاهی منجر به تحریک ساکنان بومی می‌شود.

راهکارها

- کاهش برخوردهای امنیتی در مواجهه با برگزاری سمینارها و همایش‌های استان

- افزایش سهم اهل تسنن در مشاغل و مناصب مهم دولتی

- برگزاری دوره‌های هم‌اندیشی و برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی بین دانش‌آموزان و دانشجویان مناطق شیعه و سنی نشین استان

- کاهش تعداد نیروهایی که با لباس‌های نظامی در سطح شهر و روستا تردد میکنند

- برخوردهای شدید و صریح با قاچاقچیان در نواحی مرزی و عدم سرایت وضعیت امنیتی مرزی به کل استان

۲-۴ چالش مهاجرت و هویت

با توجه به وضعیت مهاجرفرستی استان، این مسئله با توجه به سایر ویژگی‌های خاص استان می‌تواند به‌مثابه وضعیتی دوگانه قلمداد شود؛ چراکه اگر مهاجران خارج‌شده از استان را جزو گروه‌های حاشیه‌ای برای مناطق مقصد تلقی کنیم (که با توجه به ترکیب و نوع مهاجرت استان، این گزینه محتمل است)، فرصتی مناسب برای افراد مقیم استان است. از سویی، اگر ترکیب مهاجران خارج‌شده به افراد کارآفرین تعلق داشته باشد، این فرصتی است که از دست منطقه می‌رود.

منفی بودن خالص مهاجرت در استان، نشان از مهاجرفرستی دارد. به عبارت دیگر، تمایل به مهاجرت از استان به استان‌های دیگر بویژه استان خراسان و گلستان زیاد است. همچنین، مهاجرت اتباع خارجی به استان و ازدواج با زنان ایرانی موجب شکل‌گیری پدیدهٔ افراد بدون شناسنامه در استان شده است. یکی دیگر از عوامل عمده در شکل‌گیری این پدیده، مربوط به ایرانیانی است که سابق در کشورهای همسایه از جمله پاکستان و افغانستان زندگی می‌کردند و امروز به ایران آمده‌اند. از آنجاکه در هیچیک از سازمان‌ها و نهادهای رسمی مرتبط آماری درخصوص تعداد افراد بدون شناسنامه موجود نیست، براساس برآورد سازمان‌های مردم‌نهاد، بین ۱۰ تا ۱۵ هزار فرد بدون شناسنامه در استان درخواست صدور شناسنامه داشته‌اند، که با توجه به آنکه این میزان تنها تعداد درخواست‌های رسمی از سوی افراد است، می‌توان پیش‌بینی کرد که آمار واقعی بیشتر از این رقم باشد. این پدیده یک چالش مهم هویتی و رفاهی محسوب می‌شود؛ چراکه با توجه به بافت اقتصادی استان، بخش قابل‌توجهی از مردم تنها از طریق خدمات رفاهی دولتی همانند دریافت یارانه و طرح‌های تأمین اجتماعی همانند حمایت‌های کمیتهٔ امام خمینی و کمیتهٔ امداد امرار معاش می‌کنند.

مهاجرت از استان غالباً به دلایل معیشتی و یافتن شغل است که این موضوع نشان‌دهندهٔ مطلوبیت اندک استان برای زندگی و سطح پایین توسعه‌یافتگی آن است. ورود اتباع خارجی نیز عمدتاً ریشه در قرابت‌های قومی، زبانی و مذهبی در دو سوی مرز دارد و هنگامیکه این مهاجرت صورت قانونی نداشته و زمینهٔ ادغام اجتماعی فراهم نیست، تبعات هویتی منفی ایجاد می‌کند.

راهکارها

- تقویت سامانه‌های ثبت احوال استان جهت ثبت تعداد مولید و نرخ ازدواج‌های رسمی

- ترغیب و حمایت از راه‌اندازی واحدهای تولیدی و کارگاهی کوچک و بزرگ توسط سرمایه‌گذاران در استان از طریق ایجاد تسهیلات ویژه

- احیای بافت‌های فرسوده شهری و روستایی

- شناسایی، حفظ و تقویت منابع اشتغال درآمدزا در شهرستان‌های استان

۲-۵ تبعیض، نابرابری و طردشدگی استان

بخشی از این تبعیض و نابرابری موجود در استان، ناشی از شکاف‌های قومی و مذهبی است که پس از انقلاب اسلامی پُررنگ‌تر شده است. به این معنا که به دلیل حساسیت روی اهل سنت، ایشان کمتر به بازی گرفته شده و امکانات استان از جمله مناصب و موقعیت‌های مهم تصمیم‌گیری در اختیار اهل تشیع قرار گرفته و به این ترتیب شکاف‌ها تشدید گردیده

است. در سطح کلان نیز، به دلایل متعدد از جمله عقب ماندگی تاریخی، فقدان مزیت نسبی در حوزه صنعت و فناوری، غلبه نگاه امنیتی در سیاست گذاری و ضعف در چانه زنی، در برنامه های توسعه توجه کافی به استان صورت نگرفته و در مقایسه با اغلب استان های کشور، همواره جایگاه پایین تر داشته است.

نگاهی به وضعیت موجود استان و آمار، حاکی از توسعه نیافتگی و تبعیض و بی عدالتی در قیاس با مناطق برخوردار کشور است. اما آنچه اهمیت بیشتر دارد، ادراک این تبعیض و بی عدالتی از سوی مردم استان است؛ از یک سو تبعیض میان شیعه و سنی (که تا حدی با شکاف سیستمی-بلوچستانی همپوشانی دارد) و از دیگر سو نابرابری میان کلیت استان و مرکز کشور. نشانه های تبعیض اول را می توان در فقدان مشارکت اهل سنت و بلوچها در مدیریت استان بویژه نهادهای انتظامی، امنیتی و حراستی و سپس نهادهای آموزش و پرورش و آموزش عالی استان مشاهده کرد. به نوعی شیعیان در این زمینه دارای رانت مذهبی هستند و با حاشیه ای شدن منزلت اجتماعی اهل سنت، احساس طردشدگی در میان ایشان بیشتر شده است.

در راستای الگوی سنتی خانواده، نقش اجتماعی زنان نیز همچنان سنتی طبقه بندی می شود، در خصوص موافقت با رئیس جمهور شدن، وزیر شدن، فرماندار شدن، استاندار شدن زنان نیز با وجود این که تفاوت معناداری میان وضعیت کشور با استان مشاهده نمی شود و به نظر می رسد تغییرات نقش زنان در حوزه اجتماعی بیش از حوزه خانواده رو به مدرن شدن حرکت کرده است، اما هنوز میزان موافقت در کل کشور بیشتر از استان است.

با توجه به وضعیت نامساعد استان نسبت به کل کشور پیش بینی های عمومی حاکی از این است که مردم باید میزان بالاتری از احساس تبعیض و بی عدالتی را گزارش و حس منفی بیشتری نسبت به مسئولین سیاسی داشته باشند. اما بررسی وضعیت ارزشی و نگرشی آنان حاکی از آن است که مردم سیستان و بلوچستان دو برابر کل کشور معتقدند که حکومت به همه مردم به یک چشم می نگرد، آنان اوضاع سیاسی کشور را در نسبت با ۵ سال گذشته ۲.۳ برابر سایر مردم کشور بهبود یافته تر قضاوت کرده و نیز حدود ۱.۸ برابر کل کشور معتقدند در ۵ سال آینده اوضاع سیاسی بهبود پیدا خواهد کرد. از سویی آنان ۳.۳ برابر کل کشور به وجود حق و فضای مناسب برای انتقاد از حکومت توسط احزاب و گروه های قانونی معتقدند. در واقع می توان گفت که مردم سیستان و بلوچستان عدالت سیاسی بیشتری از سایر مردم ایران ابراز داشته اند. یکی از نکات حائز اهمیت در نگرش مردم استان نسب به کل کشور اعتقاد به آموزش و یاددهی زبان قومی به فرزندان است که مردم سیستان و بلوچستان ۹ برابر سایر ایرانیان به این موضوع و تکلیف اعتقاد داشته اند.

راهکارها

- عدالت سیاسی در میان مردم استان باید به عنوان یکی از دستور کارهای اساسی مد نظر قرار بگیرد، چنان که ممنوعیت های اقوام و مذهب به تبعیض مثبت برای اکتساب سمت ها و نقش های سیاسی-اقتصادی

- اصلاح و بازسازی فضای شهری استان

- احداث مجموعه‌ای از کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی

- ساخت مجموعه‌های تفریحی-گردشگری در فضاهای عمومی شهری

- اعطای خدمات آموزشی و مشاوره تحصیلی تخصصی برای دانش‌آموزان به صورت رایگان

- طبقه بندی اجتماعی-اقتصادی مناطق مختلف شهری و روستایی و تدوین بسته های حمایتی از سوی نهادهای سیاستگذار بر مبنای نیازمندی طبقات

۲-۶ کمبود خدمات اجتماعی

گرچه در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی برای افزایش امکانات بهداشتی و درمانی استان صورت گرفته، اما هنوز استان وضعیت نامناسبی دارد و با کمبود خدمات در این زمینه روبه‌روست. سرانه تعداد افراد تحت پوشش طرح شهید رجایی و سرانه مددجویان دائمی کمیته امداد در استان، از میانگین کشور بالاتر است. در سال ۱۳۹۱، تعداد ۱۵ مؤسسه درمانی فعال (۰.۵۸ واحد به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر از جمعیت) و ۲۱۸۷ تخت (۸۴.۳ تخت به ازای هر صد هزار نفر از جمعیت) در استان وجود داشته است که میانگین این تعداد در کل کشور به ترتیب ۸۵۰ مؤسسه و ۱۳۱۱۴۰ تخت است. تعداد خانه‌های بهداشت روستایی استان نیز در سال ۱۳۹۱ برابر با ۹۰۲ واحد (معادل ۶۸.۹ واحد به ازای هر صد هزار نفر جمعیت) بوده که از میانگین کل کشور (۱۷۷۱۴ واحد) پایین‌تر است.

یکی از نشانه‌های توسعه نامتوازن، فقدان تخصیص مناسب منابع در زمینه امکانات بهداشتی، درمانی و حمایت‌های اجتماعی است. در حالی که مناطق محروم کشور از جمله استان سیستان و بلوچستان نیاز افزون‌تری به اینگونه امکانات دارند، قرارنگرفتن در اولویت برنامه‌ریزی‌ها و عدم اهتمام دولت به تأمین نیازهای مردم، موجب تشدید این کمبودها در طول زمان شده است. فقر و مشکلات معیشتی نیز موجب تشدید محرومیت و فقر جمعیت نیازمندان به حمایت شده است.

راهکارها

- شناسایی کمبودهای مراکز بهداشتی-درمانی در هر یک از شهرستان‌های استان و اجرای تبعیض مثبت در احداق مراکز پزشکی برای استان

- تاسیس مراکز تخصصی و فوق تخصصی در استان

- شناسایی نیاز ساکنین مراکز روستایی و حاشیه‌ای در شهرستان‌ها و تاسیس مراکز بهداشتی متناسب با جمعیت هر منطقه

- اعزام پزشکان، پرستاران و متخصصین خدمات درمانی به استان به طور مستمر

- بورسیه دانشجویان بومی پزشکی و رشته‌های خدمات درمانی استان جهت تحصیل در دانشگاه‌های معتبر کشور و خارج از کشور

۲-۷ حاشیه‌نشینی

بنابر اطلاعات مرکز آمار ایران در شهر زاهدان بیش از ۴۰٪ مردم حاشیه‌نشین هستند و در محلاتی چون کریم‌آباد، شیرآباد و... با انواع مخاطرات دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بنا بر گفتهٔ مسئولین استان، این معضل در شهری همچون چابهار که قطب اقتصادی منطقه نیز محسوب می‌شود، بیش از ۵۰٪ است.

حاشیه‌نشینی عمدتاً ریشه در توسعه نامتوازن و مهاجرت اقشار کم‌توان به شهرهای بزرگ‌تر دارد. خشکسالی، توسعه‌نیافتگی و سختی گذران زندگی، موجب مهاجرت مردم از شهرهای دورافتاده و روستاها به سمت شهرهای بزرگ استان شده است. تداوم نابرابری نیز، باعث عدم ادغام اجتماعی و حاشیه‌ای شدن طیف‌هایی از مردم کم‌توان گردیده و به تدریج ساختار توسعه شهری، آنها را در موقعیت خود تثبیت کرده است.

بنابر گفته عباس آخوندی وزیر راه، شهرسازی و مسکن در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۵، درصد جمعیت شهری کشور یعنی بالای ۱۹ میلیون نفر در ۱۳۰ هزار هکتار مساحت در بیش از ۲۷۰۰ محله در شرایطی زندگی می‌کنند که با کمبود سرانه خدماتی و زیرساخت‌های نامناسب روبه‌رو هستند. آخوندی به عنوان رییس ستاد ملی بازآفرینی شهری، پیش‌تر نیز با اعلام رقم ۱۸ میلیون نفری حاشیه‌نشینان کشور، از بخشی از مشکلات حاشیه‌نشینان سخن گفته بود؛ اینکه حاشیه‌نشینان، حس تعلق به جامعه را از دست می‌دهند و خود را شهروند درجه دوم می‌دانند که از سوی دیگر شهرنشینان به حاشیه رانده شده‌اند. باتوجه به آنچه عنوان شد و با توجه به جمعیت هشتاد میلیون نفری کشور نرخ حاشیه نشینی برابر با ۲۲.۵٪ است.

راهکارها

- بهسازی و بهبود بخشیدن به شرایط زندگی در زاغه‌ها و مناطق حاشیه‌نشین؛ این بهبودی و ساماندهی شامل ایجاد

زیرساختهای مناسب مانند شبکه‌های ارتباطی، سیستم تخلیه فاضلاب و حداقل ملزم کردن حاشیه‌نشینان به حفر چاه فاضلاب خواهد بود.

- بالا بردن تخصص و مهارت نیروی کار موجود در نواحی حاشیه‌ی شهری، از طریق آموزشهای رسمی و فنی و حرفه‌ای و بالا بردن سطح تحصیلات و مهارت جوانان از راه تشویق آنان به فراگیری علم و دانش، تخصص و مهارت، به منظور جذب در اقتصاد بخش رسمی و کاهش اشتغال در بخش غیررسمی در آینده‌ی این سکونتگاه‌ها.

- نظارت بیشتر شهرداری بر امر ساخت و سازهای مسکونی مناطق حاشیه‌نشین و جلوگیری از ساخت و سازهای بدون پروانه و همچنین ساخت و سازهایی که قوانین و ضوابط ساختمان‌سازی و شهرسازی در آنها رعایت نمی‌شود.

- ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای حاشیه‌نشینان به‌خصوص به‌منظور کاهش بیکاری و اشتغال در اقتصاد غیررسمی و شغل‌های کاذب و انگلی از یک سو و افزایش درآمد و کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی آنها و گسترش عدالت اجتماعی، اقتصادی از سوی دیگر.

- به رسمیت شناختن حقوق شهروندی ساکنان مناطق حاشیه‌نشین در برنامه‌ریزی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و تأمین اعتبار مالی و پرداخت تسهیلات و وام برای بهسازی و نوسازی واحدهای مسکونیشان و به رسمیت شناختن اولویت‌های گروه‌های فقیر و کم‌درآمد در نظام برنامه‌ریزی کشور.

- تقویت شهرهای میانی و کوچک استان و تخصیص بودجه‌های عمرانی بیش‌تر به آنها، زیرا این امر موجب جذب تعداد زیادی از مهاجرین روستایی به آنها خواهد شد.